

«پیروزی» با پایداری و پروا پیشگی

از جمله تفاوت‌هایی که در ورزش‌هایی مثل: فوتبال و بسکتبال، با انواعی دیگر از جمله: والیبال، تنیس، پینگ پنگ و... وجود دارد، یکی هم این است که در گروه اول شما باید توپ را به تور دروازه و حلقه رقیب برسانید تا امتیاز کسب کنید، اما در گروه دوم، می‌توانید از خطای طرف مقابل در خارج زدنش هم امتیاز بگیرید و حتی ممکن است با مقاومت حساب شده، فقط با همین خطاهای حریف برنده شوید! بازی‌ها و سرگرمی‌هایی هم وجود دارند که شما فقط مقاومت می‌کنید، هر که خطا کرد از بازی خارج می‌شود و برنده کسی است که در تمام مدت مقاومت کرده و از قاعده بازی عدول نکرده باشد.

مبارزه يك ملت مظلوم و دست خالی با يك حاکمیت جبار سرکوبگر، که بر زر و زور و تزویر تکیه کرده، از این هم پیچیده‌تر و ظریف‌تر است؛ در بازی‌های ورزشی، دو طرف در میدان و شرایطی مساوی رقابت می‌کنند و داوری مستقل است، اما در نبرد آزادی با استبداد، هرکدام میدان خود را دارند و همه هنر در همین است که شما در میدان خودت بازی کنی و از کشیده شدن به میدانی که او هزاران بار بیشتر تخصص و تسلط دارد، همچون کشتی‌گیری که باید شیگرد حریفش را خوانده و از دام او دور بماند، با هشیاری خودداری کنی.

می‌دانید که اعتصاب غذاهای طولانی گاندی، بیش از آن که علیه استعمار انگلیس باشد، علیه تندروی‌های ملت خودش بود که با عکس‌العمل نشان دادن در برابر خشونت سربازان انگلیسی، به میدان آنان کشیده شده و بهانه به دست دشمن می‌دادند. هنر گاندی، همین تشخیص دقیق میدان و موقع مبارزه و آگاهی از نیروی بالقوه دو طرف بود.

تفاوت دیگری که میدان سیاست با میدان رقابت‌های ورزشی دارد، در قواعد بازی است. دنیای سیاست به مراتب پیچیده‌تر و پر ماجراتر از دنیای ورزش است. در این نوشته بعضی قواعد را با الهام از مبارزات ملت مظلوم موسی(ع) با فرعون که معروف‌ترین مثال درمقابله يك ملت اسیر با مستبدی مطلق است، برای فهم ملموس‌تر مسئله مورد قیاس قرار می‌دهیم. آنها هم که باوری به این مسائل ندارند، می‌توانند به چشم اساطیر به آن نگاه کنند. می‌گویند در مثل مناقشه نیست:

۱- در میدان رقابت‌های سیاسی، برخلاف رقابت‌های ورزشی، تعداد بازیکنان دو طرف کاملاً متغیر است. هرکدام می‌توانند تا جایی که نفوذ داشته باشند یارگیری کنند. میزان مقبولیت هر تیم نزد تماشاچیان کاملاً تعیین کننده است. فرعون که مقبولیت و مشروعیتش با روشن‌گری‌های موسی و درخواست بسیار معقولش درخودداری نظام از شکنجه بنی‌اسرائیل و آزاد کردن آنان، به زیر سؤال رفته بود، در برابر قدرت "افکار عمومی" مجبور به عقب نشینی شد و با دست کشیدن از کشتن موسی(ع)، جارجانش را به شهرها فرستاد تا در بوق‌ها به دَمند که: "این‌ها گروهی اندک‌اند که ما را به خشم آورده‌اند و ما کاملاً متشکل و آماده پیکاریم". (۱)

۲- هر دو طرف در صورت خوب بازی کردن می‌توانند یاران طرف مقابل را جذب کنند. ریزش و رویش دو سویه و دائمی است. ساحرانی که فرعون به عنوان اندیشمندان و مغزهای متفکر زمانه، به مصاف موسی(ع) فرستاده بود، وقتی حقانیت او را دیدند، شجاعانه تغییر جبهه دادند و پیوستنشان به ملت، موسویان را نیروئی تازه بخشید.

در آستانه انقلاب سال ۱۳۵۷، در شرایطی که هنوز رهبری و ترکیب اعضای شورای انقلاب برای مردم آشکار نشده بود، خبرنگاری از مهندس بازرگان پرسید: "رهبر انقلاب چه کسی است؟" ایشان هم بی‌درنگ گفتند: "علیحضرت!..." و وقتی تعجب او را دیدند، اضافه کردند که: "بله زندان‌ها و سرکوب‌های شاه مردم را متحد و متشکل کرده و به انقلاب کشانده است!"

۳- همه بازیکنان حریف خریداری شده و مزدور نیستند، بسیاری از آنها به میل خودشان بازی می‌کنند. حرکات هوشمندانه تیمی می‌تواند آنها را به زمین شما بکشاند. در قصه موسی(ع)، آن خویشاوند خوش نیت فرعون و کارگزار عالی رتبه دربار او، وقتی حقانیت موسی(ع) و خطر کشته شدن او را دریافت، با ایمان فطری‌اش، که تا آن زمان مخفی می‌داشت، سکوت را جایز ندانسته و شجاعانه در کاخ فرعون به دفاع از موسی(ع) پرداخت. (۲) شما در صورت خوب بازی کردن، می‌توانید نزدیک‌ترین یار حریف و بهترین بازیکن او را هم به سمت خود بکشید! همان طور که "حُر" فرمانده سپاه دشمن در نهضت کربلا، تغییر جبهه داد و به سپاه امام حسین(ع) پیوست!

۴- تماشاچیان بی‌تفاوت و بی‌طرف هم با تماشای بازی هیجانی دو طرف ممکن است وارد بازی شوند و ناگهان صحنه را عوض کنند. صحنه‌ای که فرعون در میدان بزرگ شهر در روز موعود برای افشای "فته موسوی!" برای براندازی نظام برتر فرعون بر پا کرده بود، به ضد خود تبدیل شد و پیام موسی(ع) را که امکانی برای ابلاغ آن نداشت، رسانه‌ای کرد! (۳)

۵- تیم شروع کننده در بازی‌های ورزشی با شیر یا خط انداختن و شیوه‌های شانسی دیگر تعیین می‌شود، اما در مبارزه حق و باطل، شروع کننده به شرّ و شیطنت، همواره زورمداران‌اند و حق طلبان همیشه در موضع دفاعی قرار دارند. درست است که در نهایت ممکن است به درگیری رویاروی کشیده شود، اما در مسیر مبارزه، اسلحه ملت‌ها همواره اصالت‌ها و ارزش‌هاست. مگر در انقلاب ۵۷ گل بر گلوله پیروز نشد و در قیام حسینی خون بر شمشیر غلبه نکرد؟ ساحران نیز در قصه موسی وقتی از او پرسیدند: "تو شروع می‌کنی یا ما؟" گفت: "البته که شما!!" کسی که در جریان دفاع، حقانیت خود را ثابت می‌کند، نیازی ندارد آغاز کننده درگیری باشد. در قرآن آمده است که خداوند صنعت زره‌سازی، یعنی ساخت لباس‌هایی سبک از مقتول‌های نازک فلزی را برای دفاع در برابر تهاجمات دشمن به داوود (ع) الهام کرد (۴)، آیا هیچ فکر کرده‌اید که چرا خدا صنعت تسلیحات تهاجمی را به او الهام نکرد تا همه دشمنان را نابود کند؟

۶- صحنه سیاست مثل صفحه شطرنج است؛ اگر در يك حرکت حساب شده چند تا پیاده قربانی دادی، در عوض می‌توانی وارد قلعه حریف شوی و او را کیش و مات کنی! در این میدان فکرها جای فردها و فریادها را می‌گیرند. در حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ سرکوبگران نظام ولایت فقیه قربانیان مظلومی از ملت گرفتند، اما اگر درآمد یکساله نفت را خرج می‌کردی، "ندای" سبزه این طور جهانگیر نمی‌شد! فرعون زمان موسی (ع) هم به سرکوب خونین موسویان پرداخت، اما با این کار در "نیل" نیرنگ‌هایش غرق شد.

۷- این بازی ظاهر و باطنی دارد؛ بازی‌های ورزشی سطحی و دو بعدی است، اما سیاست سه بعدی است و عنصرزمان در آن نقشی کلیدی ایفا می‌کند. گاهی يك شکست موقت، زمینه‌ساز پیروزی پُر دوام بعدی می‌شود، پیروزی هم البته ممکن است غفلت و غرور بیاورد. پس داشتن استراتژی و برنامه مدوّن برای آینده، انتخاب تاکتیک متناسب برای هر مقطع را ممکن می‌سازد. پیروان حضرت موسی که توصیه او به استعانت از خدا و استقامت در مبارزه را دائماً می‌شنیدند، مرتب به او گلایه می‌کردند که: "قبل از آن که تو بیایی ما را شکنجه می‌کردند، با آمدنت هم همچنان شکنجه می‌شویم"؛ و موسی (ع) گفت: "امید است خدا دشمنان را هلاک و شما را در این سرزمین حاکم بر سرنوشتنان کند". (۵)

در نبرد میان دو ابر قدرت ایران و روم در عهد پیامبر اسلام، رومیان مغلوب شدند. قرآن از برگشتن کفه قدرت در چند سال آینده (به دلیل ضعف بنیادین و اختلافات عمیق نظام ساسانی) در سوره روم خبر داده و چنین نتیجه گرفته است: "مردم ظواهر دنیائی (ساز و برگ نظامی) را می‌بینند و از روی دیگر سکه و باطن تحولات (ریزش قدرت و سلطه ظالمانه) غافلند". (۶)

۸- در بازی‌های ورزشی، آمادگی‌ها از قبل در اردوهای تمرینی حاصل شده است، روز مسابقه فقط عرضه و نمایش آن است. اما در میدان سیاست، اردوی آمادگی همین صحنه مبارزه است و ملت‌ها تنها با تمرین آزادی دگراندیشان میان خود و رعایت حقوق همگان است که ساخته می‌شوند و با مطالبه امنیت و عدالت از حاکمان ستمگر بر سکوی حاکمیت بر سرنوشته خود قرار می‌گیرند. در جمع بندی قرآن از علل پیروزی قوم اسیر و برده "بنی اسرائیل" بر قدرتمندترین دیکتاتور تاریخ، فقط بر يك عامل اشاره شده است: صبر!! البته نه صبر انفعالی که در زبان فارسی می‌فهمیم، بلکه صبر و استقامت فعال و تلاش پیوسته. (۷)

به شهادت تاریخ، هیچ نظام استبدادی برای همیشه باقی نمانده است و همواره ملت‌ها پیروز و حاکم بر سرنوشته خویش شده‌اند. به امید روزی که ملت ستم کشیده ما نیز شاهد برچیده شدن بساط جهل و جور و جنایت از این سرزمین و تحقق وعده خدا و اراده ملت باشد.

عبدالعلی بازرگان

ششم اسفند ۱۳۸۹

۲۵ فوریه ۲۰۱۱

۳- طه ۵۹ به بعد

۲- غافر ۲۶ تا ۴۶

۱- شعراء ۵۴ تا ۵۶

۶- روم ۱ تا ۳

۵- اعراف ۱۲۸ و ۱۲۹

۴- انبیاء ۸۰

۷- اعراف ۱۳۷